

Syrian Kurdistan, from identity discourse to geopolitical discourse

Mohamad Reza Hatami*

Abstract

Following the collapse of the territorial structure in eastern and northern Syria, following the attacks of terrorist groups, a region called Syrian Kurdistan appeared on the map and the Syrian Kurds, with the connection of identity and land, have created a powerful discourse in northern Syria. Active, has created. Thus, the identity nationalism of the Syrian Kurds has created a geopolitical discourse for them through territorial structures. The point to be analyzed in this study is how to analyze the geopolitical and identity-seeking action of the Kurds in the Syrian crisis? , The Syrian Kurds have formed a strong identity-seeking organization in northern Syria, which has started from an identity discourse and highlighting the identity sign to a territorial and geopolitical discourse. The method used in its descriptive-analytical research and Use library tools and documents.

Keywords: Syrian Kurdistan, ethnic identity, geopolitical discourse of the Syrian Kurds, Kurdistan Workers' Party

* Associate Professor, Department of Political Science, Payame Noor University, Hatami5 @yahoo.com

Date received: 13.11.2019, Date of acceptance: 29.07.2020

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مناطق کردنشین شمال سوریه، شیفت پارادیماتیک گفتمانی

(گفتمان هویتی به گفتمان ژئوپلیتیکی)

محمد رضا حاتمی*

چکیده

پس از فروپاشی ساختار سرزمینی در شرق و شمال سوریه، متعاقب حملات گروه‌های تروریستی، منطقه‌ای با عنوان کردستان سوریه در نقشه‌های جغرافیایی ظاهر و کردهای سوریه با پیوند هویت و سرزمین، گفتمان پر قدرتی را در شمال سوریه بوجود آورده‌اند که از آنها کنشگری فعال، خلق نموده است. بنابراین ناسیونالیسم هویتی کردهای سوریه، یک گفتمان ژئوپلیتیکی را برای آنها از طریق سازه‌های قلمروئی بوجود آورده است. یووالی که در این پژوهش مورد تحلیل قرار می‌گیرد این است که کنش ژئوپلیتیکی و هویت خواهانه کردها در فضای بحرانی سوریه چگونه تحلیل می‌شود؟ فرضیه‌ای که بیان می‌شود این است به دنبال بحران سرزمینی حاصل از شوک ژئوپلیتیکی توسط گروه تروریستی داعش و النصره، کردهای سوریه، یک تشکل قوی هویت طلب را در شمال سوریه بوجود آورده‌اند که این رویکرد از گفتمان هویتی و برجسته نمودن دال هویتی شروع و به یک گفتمان سرزمینی و ژئوپلیتیکی، تبدیل گشته است. روش به کار برده شده در پژوهش توصیفی - تحلیلی و استفاده از ابزار کتابخانه‌ای و اسناد می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: کردستان سوریه، هویت قومی، گفتمان ژئوپلیتیکی کردهای سوریه، حزب کارگران کردستان

* دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، Hatami5@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۰۸

۱. مقدمه

کردهای سوریه به علت فقدان هویت مشخص در ساختار جمهوری عربی سوریه، پراکندگی جغرافیایی و عدم مخالفت با ساختار حاکم سوریه در نیمه دوم قرن بیستم همواره اقلیتی مغفول در نگاه سیاستمداران و محافل دانشگاهی بوده‌اند و بعد از اعراب سنی و علویون، بزرگ‌ترین اقلیت قومی در سوریه هستند. گرچه حزب دموکراتیک کردستان سوریه در تقابل با ناسیونالیسم عربی از بدو تأسیس و علیرغم مشکلات ایدئولوژیک و فرقه‌ای در کردستان سوریه، یک ناسیونالیسم نیم بند را ایجاد نمود (عبداله پور، ۱۳۹۵)، ولی ظهور و بروز حزب کارگران کردستان ترکیه و خوانش جدید از هویت کرد، باعث گفتمان جدید هویتی و سرزمینی برای کردهای سوریه گشت که تجلی این گفتمان با شکل‌گیری حزب اتحاد دموکراتیک (PYD)، به قلمرو خواهی در مناطق شمال سوریه، منجر شده است. به طور کلی بحران در سوریه، باعث نقش آفرینی کردهای این کشور در سالیان اخیر شده است. در این راستا کردها با خوانش جدیدی از هویت مغفول‌کردی در قرن بیستم در پی اعاده گفتمان هویتی و تبدیل آن به یک گفتمان سرزمینی در مناطق شمال سوریه، می‌باشند. نیم قرن مبارزه کردهای سوریه در صفوف جنگجویان حزب کارگران کردستان ترکیه و استفاده از مدل‌های نظامی و سیاسی این حزب، از کردهای سوریه، یک تشکل قوی هویت طلب را در سوریه بوجود آورده که البته می‌توان آنها را به عنوان زیر-سیستم حزب کارگران کردستان در سوریه نامید. ناسیونالیسم به عنوان یک ایدئولوژی ذاتاً سرزمینی محسوب می‌شود (Anderson, 1988, 18). با این نگاه، ناسیونالیسم، پایگاه اصلی گفتمانهای ژئوپلیتیکی از طریق سازه‌های قلمروئی می‌باشند. ویلیام و اسمیت بر این اعتقادند که ناسیونالیسم، مبارزه‌ای همیشگی برای کنترل سرزمین است، بنابراین کنترل زمین در حال حاضر، اولویت اصلی کردهای سوریه می‌باشد. در راستای تبیین و تعمیق گفتمان هویتی و سرزمینی کردهای سوریه می‌توان به چهار تقاضای اصلی شورای ملی کرد از شورای ملی سوریه بعد از اسد اشاره نمود که شامل موارد ذیل می‌باشند:

- تمرکز زدائی سیاسی و الزام حکومت مبتنی بر سوریه چند فرهنگی، چند زبانی و چند قومیتی
- دولت سکولار

- تصدیق قانون اساسی به مشکلات پیش روی کردها، رفع تبعیض، محکوم نمودن تعریب سرزمین‌های کرد و الحاق قلمروهای تاریخی کردها به آنان و محکوم نمودن موج تغییرات دموگرافیک بر ضرر کردها
- تصدیق حق کردها برای خود مختاری و تصمیم برای همه پرسی ملی کردها در لوای حاکمیت سرزمینی سوریه (Weiss, 2012, 19)

۲. پیشینه تحقیق

- Remaking (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان "بازسازی سوریه، سنجش دیپلماتیک و نظامی". به تلاش اسرائیل برای محدود کردن ایران و کارگزارانش مانند حزب اله در سوریه می‌پردازد. در این راستا این اقدامات را در سه حوزه سنجش می‌نماید:
 - سنجش نظامی: به توان نظامی و استعداد نیرو روسیه و آمریکا و متحدان آنها
 - سنجش دیپلماتیک: تعامل و تقابل آمریکا و روسیه و مطامع سیاسی ایران و ترکیه
 - سنجش نقش اسرائیل: نحوه تعامل با روسیه و ترس از قدرت یابی ایران در منطقه شامات می‌پردازد.
- The PKK's Fateful Choice in Northern Syria by (۲۰۱۷) در گزارش گروه بین المللی بحران با عنوان "انتخاب‌های استراتژیک حزب کارگران کردستان در سوریه"، در این گزارش، نقش کادرهای تعلیم دیده حزب کارگران کردستان در شمال سوریه و قلمرو خواهی کردها مورد تحلیل قرار می‌گیرد. فرضیه اصلی مقاله، سرریزی تعارض بین ترکیه و حزب کارگران از داخل کشور ترکیه به شمال سوریه می‌باشد.
- How the Current Conflicts Are Shaping the Future of Syria and Iraq (۲۰۱۶) در گزارشی با عنوان "چگونه تعارضات اخیر آینده سوریه و عراق را شکل می‌دهد"، با تمرکز بر فرقه گرائی و تقسیمات قومی در سوریه بر این اعتقاد است که شورشیان در سوریه قادر به سرنگونگی حکومت نیستند، ولی در قلمروهای سرزمینی و هویتی سوریه، تأثیراتی بسزا برای دگرگونی خواهند داشت. این گزارش که در اوج اقدامات داعش، نگاشته شده، توان این گروه را در آشوب ژئوپلیتیکی، زیاد می‌داند و از بین گروه‌های تروریستی تکفیری، تمرکز خود را بر روی داعش، می‌بیند.

الگوهای نبرو در سال ۲۰۱۵ و ضعف گروههای غیر جهادی در سوریه مانند ارتش آزاد از نکات مهم دیگر در این گزارش، می باشد.

- Allsopp (2015) در کتابی با عنوان "تاریخ کردهای سوریه، سیاست و هویت"، بر کیفیت و چگونگی هویت و سیاست کردهای سوریه، تاکید و حزب کارگران کردستان ترکیه را به عنوان عامل نضج ناسیونالیسم کرد در سوریه می داند. از سویی این تحقیق با کالبد شکافی جامعه کرد به مذهبی، سکولار و سوفیسم، تحلیلی نو را از جامعه کرد سوریه به نمایش می گذارد

- The kurds of Syria (۲۰۱۷) "در مقاله ای با عنوان "کردهای سوریه"، به تبار شناسی احزاب کرد قدیمی در سوریه، دوران تسلط فرانسه بر سوریه، ورود حزب کارگران کردستان به سوریه، خیزش سال ۲۰۱۱ و تولد خودمختاری کردها در سوریه، انقلاب کردستان سوریه و صورت بندی هویت کردها برای آینده سوریه، موضوعات محوری اثر حاضر می باشند.

- جاکوب (۲۰۱۵)، رساله دکتری با عنوان، "صلح سازی در دوران پسا اسد"، سناریوهای برای دوران پسا اسد و انتقال از جنگهای داخلی به فرآیند صلح سازی را به تصویر می کشد و در این شرایط، خلق یک محیط امنیتی، مهندسی دموکراسی، دستیابی به یک آشتی ملی و از بین بردن موانع یک صلح پایدار در سوریه تقسیم شده مورد بحث قرار می گیرد. دو مبنای نظری تقسیم قدرت و تسهیم قدرت، پایه های تئوریک این تحقیق را تشکیل می دهد.

- گنتز (۲۰۱۳) در مقاله ای با عنوان "مرزها، مردم و وضعیت سیاسی کردها در سوریه"، به تبار شناسی کردها و سازمانهای کرد، صورت بندی گروههای کردی، مشکلات مرزی و جمعیت کردها در نواحی خارج از سوریه و وضعیت پناهندگان کرد، می پردازد.

۳. کردها پس از بحران سوریه

در آغاز شورش در سوریه، جوانان کرد در ابتدا به شورش پیوسته و سازمانهای کردی نیز با معترضین عرب، هم آوا شدند (zisser, 2014)، گرچه غالب جریانهای کردی در این بازه زمانی، سکوت کردند، چرا که احزاب کردی به علت سازه های عربی / اسلامی این

اعتراض، نسبت به آن مضمون بودند. در پاسخ به سکوت کردها، رژیم سوریه، قانون منع مالکیت و فروش زمین به کردها را لغو نمود (Tojel, 2014, 226). احزابی از کردها که صراحتاً به مخالفت با رژیم اسد و حمایت از اپوزیسیون عرب پرداختند شامل حرکت آینده، اتحاد و حزب آزادی بودند که عمدتاً گرایش به حزب دموکرات کردستان عراق داشتند (Allosop, 2015, 197). در این زمان، اختلاف بر سر هویت عربی سوریه که توسط شورای ملی سوریه (SNC) بر آن پافشاری می‌نمود و شورای ملی کردها (KNG) که توسط بارزانی حمایت و هدایت می‌شد، کردها از حمایت از اعتراض جنبش دست کشیدند (Allosop, 2015, 199 and Pollock, 2012, 76). شورای ملی کردها برای اولین بار، اکثریت کردها را متحد و اولین رهبر آن نیز، عبدالحکیم بشار رهبر حزب دموکرات کردستان سوریه بود. مأموریت شورای ملی کرد، یافتن یک راه حل معطوف به صلح برای مشکل کردها در چارچوب سوریه متکثر و دموکراتیک، مادامیکه تاکید شورا، بودن در شورش و امتناع هر گونه مذاکره با رژیم اسد بود (Hossino, 2012, 4-5). حزب اتحاد دموکراتیک به عنوان اصلی‌ترین حزب کردی در سوریه در این تشکل قرار نگرفت و در عوض به تقویت پایگاههای خود در مناطق کردنشین پرداخت. با بازگشت صالح مسلم به عنوان دبیر کل حزب اتحاد دموکراتیک و به مدد قدرت نظامی حزب که متأثر از حزب کارگران کردستان ترکیه بود، این حزب هژمونی خود را در مناطق کردنشین به سایر احزاب نشان داد. در ژانویه ۲۰۱۴ و متأثر از تفوق حزبی، حزب اتحاد دموکراتیک، انقلاب غرب کردستان آغاز و هدف آن اجرای یک سیستم سیاسی فدرال مبتنی بر خودگردانی و نظام کانتونی بود. این نظام خود گردان از لحاظ ایدئولوژیکی با مفهوم کنفدرالیسم دموکراتیک که توسط رهبر حزب کارگران کردستان، توسعه یافته بود، منطبق بود. این سیستم، رد، امحاء و انکار سیستم دولت ملت و خواهان نظام و ساختار خلق/ملت محور است (Gunter, 2014, 65). نظام کنفدرالیسم دموکراتیک یک دموکراسی استقرائی و از پائین به بالا می‌باشد. با پیروزی چشمگیر حزب اتحاد دموکراتیک در نبرد کوبانی بر علیه داعش، موج حمایت‌های غرب از کردهای سوریه را به عنوان یک متحد، شروع و تلاشهای ترکیه نیز که در صدد ارتباط بین تروریستی نشان دادن حزب کارگران کردستان و حزب اتحاد دموکراتیک بود، با شکست مواجه شد. ایدئولوژی کنفدرالیسم دموکراتیک، توسعه ناسیونالیسم یا دستور کار قومی نیست بلکه اهمیت این ایدئولوژی در نشان دادن جذب متحدان خارجی و گروههای قومی غیر کرد به عنوان قسمتی از انقلاب کردستان و. کسب مشروعیت خودمختاری این

مناطق می‌باشد. با این نگاه صورت بندی نیروهای نظامی چند ملیتی در ذیل نیروهای حزب اتحاد دموکراتیک با زعامت کردها تشکیل و رئیس جمهور آمریکا نیز دستور تسلیح این نیروها را در ماه می ۲۰۱۶، صادر کرد. نمایندگان دیپلماتیک در چندین کشور اروپائی توجه کشورها اتحادیه را به حمایت از کردها معطوف نمودند، مضاف بر این دیاسپورای کرد نیز، نقش مهمی را در پیوند میان حزب اتحاد دموکراتیک و فعالین سیاسی اروپا، ایفاء نمودند.

مادامیکه به نظر می‌رسد حزب اتحاد دموکراتیک، جوامع غیر کرد را نیز در حیات سیاسی شمال سوریه در بر می‌گیرد، روابط بین حزب اتحاد دموکراتیک و شورای ملی کردها هنوز بی نهایت هیجان زده است. شورای ملی کردها، نقدهای اساسی مانند نگاه توتالیترمآبانه، ذوب در ایدئولوژی اوجالان و جلوگیری از نصب پرچم پان کردیسم را بر حزب اتحاد دموکراتیک وارد می‌کنند. در مقابل، حزب اتحاد دموکراتیک، این ادعاها را رد و شورای ملی کردها را متهم به کارشکنی در توسعه سیاسی کردستان سوریه می‌کند. (ARA news, 14/8/2016). این تناقض داخلی بین کردهای سوریه، همیشه قسمتی از دخالت کنشگران خارجی بوده است. به نوعی که می‌توان گفت یک جنگ نیمه نیابتی در کردستان سوریه در جریان است. شورای ملی کردها، عامل حزب دموکرات کردستان عراق و حزب اتحاد دموکراتیک، عامل، حزب کارگران کردستان ترکیه می‌باشند. دو دلیل اصلی که بر استقلال هویت کردهای سوریه در خلال جنگ داخلی سوریه تأثیر گذاشت، شامل، عقب نشینی رژیم سوریه از نواحی کردنشین و ترک قلمرو شمال سوریه و ظهور گروه تروریستی و مشخصاً داعش که همزمان دشمن کردها و جامعه بین المللی بود. این دلایل باعث پیوند بیشتر کردها با جامعه و ائتلاف بین المللی در مبارزه داعش بود، مضاف بر این گفتمان، حزب اتحاد دموکراتیک در خصوص حق زنان، پلورالیسم و دموکراسی مدنی و فدرالیسم، این واحد هویتی / سرزمینی را به عنوان جزء لاینفک واقعیت سیاسی جدید در آینده فدراسیون سوریه، نشان داده است. گرچه تنش‌ها بین گروهها و احزاب کرد سوریه، یکی از چالشهای بزرگ خودمختاری کردها در سوریه است. به طوریکه تنش بین حزب اتحاد دموکراتیک و شورای ملی کردها، نه یک پدیده داخلی، بلکه عوامل منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را نیز درگیر خود نموده است. به علاوه فعالین کردستان سوریه طرفدار یک دموکراسی لیبرال و حقوق بشری‌اند و در پی جستجو حمایتی میان روشنفکران غربی و نهادهای حکومتی هستند. (sofie, 2017, 18)

۴. فضاهای تجزیه شده و ناسیونالیسم سرزمینی کردهای سوریه

توجه به مقوله فضا به عنوان یک سرمایه استراتژیک در نگاه پست مدرن، اولویت سیاستگذاری جغرافیایی کشورها می‌باشد. بنابراین رصد فضاهای آنارشیکی قومی / سرزمینی، قسمتی مهم را در سیاستهای ژئوپلیتیکی کشورها، ایفا می‌نماید. (حاتمی، ۱۳۹۶) در تنقیح فضای تجزیه شده (separated space)، باید گفت که این فضاهای تجزیه شده، نتیجه دولت ملت‌های شکننده خاورمیانه‌ای حاصل از مرزهای تصنعی خاورمیانه‌ای می‌باشد که مرزهای هویتی ناپایداری دارند. کولوسف و اولوگلین، ضمن اینکه از شبه دولت‌ها به عنوان منادیان ژئوپلیتیک پست مدرن به جهت گفتمانی بودن آن یاد می‌کنند بر این باورند که حفره‌های تاریک شبه دولت‌ها (pseudo state)، غالباً در محل تلاقی بین امپراطوریهای سابق و تمدن‌ها و نیز نواحی که جمعیتی مختلط با پیچیدگیهای خاص قومی را دارند رخ می‌دهند. (Kolosov, O'Loughlin, 1998, 56). از سویی فضاهای تقسیم شده، نگرش‌های تقسیم شده را به دنبال خود می‌آورند (O'Loughlin, 2013, 1). بنابراین در اختیار گرفتن فضا و انسجام فضائی برای کردهای سوریه یک نگرش واحد هویتی و اجماع را به همراه می‌آورد که یکی از ترجیحات اصلی در فضای داخلی مناطق کردنشین سوریه جهت سیاستهای بعدی آنان خواهد بود. به طور کلی فضاهای تجزیه شده مناطق مختلف خاورمیانه و مشخصاً مناطق شمالی عراق و سوریه، توأمأً ابعادی مذهبی / ژئوپلیتیک نیز دارند. دیجینگ، معتقد است که مذهب و ژئوپلیتیک با یکدیگر در هم آمیخته‌اند و بینش مذهبی در مسیحیت و اسلام به مثابه سرزمین مقدس و جنگهای مقدس، جلوه‌ای از یک ویژگی ژئوپلیتیک می‌باشند (Dijing, 2006, 192). خاورمیانه به عنوان نمود این تحول و خیزش اسلامی رادیکال و قلمروخواهی در بستر خود دائماً همپوشانی مذهبی و ژئوپلیتیکی را با خود به همراه دارد. بنابراین کردهای سوریه با اتصال ابعاد قومی و ژئوپلیتیکی، در پی عملیاتی نمودن گفتمان ژئوپلیتیک خود در فضاهای تجزیه شده شمال سوریه و اتصال مناطق منفک شده جزیره، کوبانی و آفرین می‌باشد که در صورت عملیایی شدن این موضوع، کردهای سوریه را می‌توان برندگان ژئوپلیتیکی، بحران سوریه نامید. گرچه ترکیه و اعراب سنی، معارضین اصلی کردها در این خصوص می‌باشند. از نظر تحلیلی، سازه‌های نمادین فضا، قلمرو سرزمینی و مرزها، مبتنی بر دیالکتیک بیم دو زبان، زبان همگرا و زبان تفاوت می‌باشد. در حالیکه زبان همگرا با هدف همگن سازی محتوی

آگاهی فضای جمعی و تجربیات است، تلاش زبان تفاوت، تمایز این تجارب همگن ساز از دیگران است (passi, ibid)

چهارچوب تحلیلی برای اشکال همگرایی و تمایز در قلمرو فضایی - اجتماعی (جدول ۱)

	here	there
we	همگرا در قلمرو سرزمینی	همگرایی مرزی
other	تمایز در قلمرو سرزمینی	تمایز بین ما و دیگران

باید عنوان نمود که هویت قومی کردها در سوریه در اشکال متفاوت پیوستگی قومی، مانند قبیله، بومی بودن یا طبقه، صورت بندی و وابسته به بافت اجتماعی است که کردها در آن تولید و یا بیان شده‌اند. تاکید کردها برای حفظ و بیان عمومی سیمای فرهنگی، شبیه استفاده از زبان کردی با هدف برجسته سازی مرزهای قومی که هویت فرا محلی کردها را نشان دهد، تعریف می‌شوند (pinto, 2007, 259). بنابراین هویت قومی کرد در سوریه، تبدیل به هویت ملی شده است. در خصوص هویت ملی باید گفت که هویت ملی را می‌توان نوعی احساس تعلق به ملتی خاص دانست، ملتی که نمادها، سنت‌ها، مکانهای مقدس، تاریخ و فرهنگ و سرزمین مقدس دارند (gilbermo: 2001, 243). آنتونی اسمیت، هویت ملی را بازتولید و بازتفسیر پایدار ارزشها، نمادها، افسانه‌ها و سنتها می‌داند که عناصر تمایز بخش هر ملتی هستند، به عبارت دیگر، افراد به واسطه اشتراک داشتن در این گونه نمادها و نشانه‌ها، با گروهی از انسانها که ملت نام دارد پیوند می‌یابند. (smith: 2000, 18). در اینجا، نخبگان کرد، برای متقاعد نمودن مردم برای حمایت از تعارضات خشونت‌آمیز، به طور گسترده‌ای از نظریه‌های نمادین مرتبط با منابع ستیز و تعارض استفاده نموده‌اند. برای اهمیت رویکرد نمادین، باید ارزشهای فرهنگی، اسطوره‌های تاریخی و نمادهای قومی و نیز ترسهای قومی ناشی از تهدیدات نمادهای قومی، اسطوره‌ها و ارزشها استفاده کرد (oztalar, 2004). همچنین می‌توان از کردهای سوریه و مشخصاً حزب دموکراتیک سوریه به عنوان سوژه ژئوپلیتیکی جدید در خاورمیانه شمالی، نام برد، چرا که بدنبال فروپاشی ساختار نه ساختار جدید بلکه عامل انسانی و یا کارگزار در میدان بازی کنش‌گری می‌نماید، حالتی که از آن به موقعیت سوژگی و سوژگی سیاسی یاد می‌گردد. موقعیت سوژگی به احاطه گفتمان هژمون (ساختار ژئوپلیتیک) بر سوژه‌ها و اضمحلال آزادی عمل ایشان در درون نظام معنایی گفتمان اشاره دارد. از این‌رو، از آنجا که گفتمان حاکم، هویت‌ها و روابط اجتماعی و همه‌چیز را تعیین می‌کند، در نتیجه هویت سوژه نیز در درون گفتمان معین

می‌شود. (عبداله پور و دیانت، ۱۳۹۵، ۷۰). مفهوم سوژگی سیاسی (کارگزاری ژئوپلیتیک)، روی دیگر سکه است که در آن افزایش بی‌قراری‌های اجتماعی موقعیت یک گفتمان را در معرض تزلزل و زوال قرار می‌دهد، سوژه به‌عنوان عامل سیاسی یا کارگزار دست به عمل سیاسی می‌زند و هژمونی گفتمان حاکم را به چالش طلبیده، نظم مورد نظر خویش را بر جامعه و گفتمان حاکم می‌سازد. در این موقعیت سوژه از آزادی اراده و استقلال برخوردار است. در این شرایط آنومیک، سوژه‌ها (کارگزار) برای گفتمان (ساختار) تصمیم‌سازی می‌کنند و خلاقیت، نوآوری و اسطوره‌سازی سوژه‌ها از ورای هژمونی و هیمنه گفتمان ظهور می‌یابد. بنابراین و در این نگاه کارگزارهای ژئوپلیتیک با به چالش کشیده شدن ساختارهای ژئوپلیتیک، دست به کنش‌گری زده و در لحظه کسوف ساختارها نه ساختارهای جدید بلکه کارگزارهای جدید ژئوپلیتیک بوجود می‌آیند. (عبداله پور و دیانت، ۱۳۹۵، ۷۰). کنشگران غیر دولتی خاورمیانه به‌عنوان یک سوژه‌های ژئوپلیتیک به دنبال تحولات خاورمیانه شمالی بر لبه‌های متزلزل ساختارهای ژئوپلیتیک، ایجاد و به‌عنوان یک کنشگران فعال، ساختار و موقعیت سوژگی ژئوپلیتیک ساختارهای گفتمانی حاکم را دچار چالشی اساسی نموده‌اند. به عبارتی دیگر زمانی که گفتمانهای مسلط ژئوپلیتیک دچار ضعف می‌شود، زمینه ظهور سوژه ژئوپلیتیک و مفصل‌بندی‌های جدید فراهم می‌گردد. در واگرایی گفتمانهای ژئوپلیتیک که توأم با آشوب ژئوپلیتیکی می‌باشد، سوژه ژئوپلیتیک با احساس بحران سرزمینی، تلاش می‌نماید تا از طریق مفصل‌بندی جدید و تعیین هویت با گفتمانی متفاوت، هویت، سرزمین و فضا - مکان خود را بازسازی نماید (عبداله پور و قادری، ۱۳۹۴، ۱۴۶). این کنشگران غیر دولتی با توجه به نکات گفته شده با مفصل‌بندی جدیدی از هویت، سرزمین و تاریخ و اسطوره‌ها، بعدی منطقه‌ای را در دستور کار سیاستی خود قرار داده‌اند. از سوئی، ناسیونالیسم به‌عنوان یک ایدئولوژی ذاتاً سرزمینی محسوب می‌شود (Anderson, 1988, 18). با این نگاه، ناسیونالیسم، پایگاه اصلی گفتمانهای ژئوپلیتیکی از طریق سازه‌های قلمروئی می‌باشند. ویلیام و اسمیت بر این اعتقادند که ناسیونالیسم، مبارزه‌ای همیشگی برای کنترل سرزمین است. (William & Smith, 1982, 502). گرچه ناسیونالیسم معمولاً به‌عنوان پیگیری خود مختاری ملی تعریف شده است ولی در تعاریف غنی‌تر به‌عنوان یک طرح اقدام جمعی برای ارائه مرزهای یک کشور و سازوار با واحدهای حکمرانی، تبیین می‌گردد (Hechter, 2000, 7). از منظر گفتمانی نیز، ناسیونالیسم به‌عنوان یک عمل گفتمانی دولت - ملت که در یک قلمرو مستقل و متجانس

با سرزمین ملی است در نظر گرفته می‌شود. (عبداله پور، ۱۳۹۵). واژه سرزمین ملی نشان می‌دهد که هویت‌های ملی، نسبتاً مشتق از قلمرو و حس قوی ملت‌ها را برای یک قلمرو خاص نشان می‌دهند (white, 2000, 28). بنابراین باید نشان داد که چگونه ناسیونالیسم، یک گفتمان ژئوپلیتیکی را برای دولت - ملت‌های ضعیف از طریق سازه‌های قلمروئی بوجود می‌آورد. در خصوص کنش هویتی و مبارزاتی کردهای سوریه، باید عنوان نمود که " جنبش خویبون " به عنوان یک حرکت ملی گرایانه پیشتاز که در کردستان ترکیه بوجود آمد در کردستان سوریه شکل گرفت و سپس به صورت یک خیزش در مناطق کردنشین ترکیه، عملیاتی شد. شورش‌های متقدم کردهای سوریه با هدف ورود به میدان بازی در عراق و ترکیه و به نسبت بسیار کم در خود سوریه بوده است. به طور مثال صدها کرد سوری به عنوان نیروی پیشمرگ در دهه ۰ و ۸۰ میلادی در کردستان عراق و تحت لوای حزب دموکرات کردستان عراق به خدمت گرفته شدند. (Tajel, 2014, 73) طبق آمارها حدود ۷/۰۰۰ تا ۱۰/۰۰۰ هزار کرد سوری نیز از ابتدای شورش حزب کارگران کردستان ترکیه، کشته شده‌اند. بنابراین هر گونه حرکت ملی گرایانه در کردستان سوریه به دلایلی مانند، فضاهای تجزیه شده و غیر کرد میان مناطق کردنشین، سرکوب کردها و امنیتی بودن فضای این مناطق، معطوف به مناطق کردنشین عراق و ترکیه گردید.

در راستای تبیین و تعمیق گفتمان هویتی و سرزمینی کردهای سوریه می‌توان به چهار تقاضای اصلی شورای ملی کرد از شورای ملی سوریه بعد از اسد اشاره نمود که شامل موارد ذیل می‌باشند:

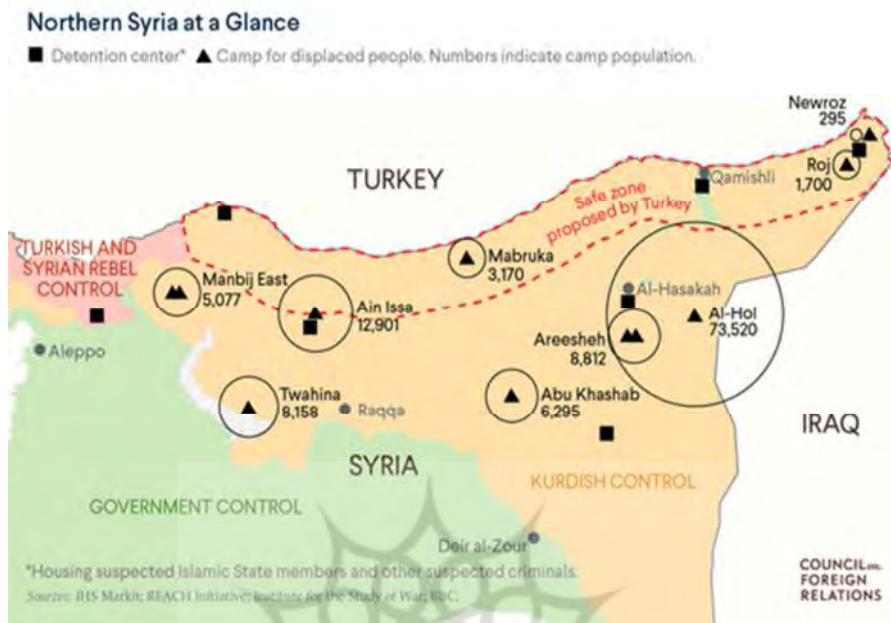
- تمرکز زدائی سیاسی و الزام حکومت مبتنی بر سوریه چند فرهنگی، چند زبانی و چند قومیتی
- دولت سکولار
- تصدیق قانون اساسی به مشکلات پیش روی کردها، رفع تبعیض، محکوم نمودن تعریب سرزمین‌های کرد و الحاق قلمروهای تاریخی کردها به آنان و محکوم نمودن موج تغییرات دموگرافیک بر ضرر کردها
- تصدیق حق کردها برای خود مختاری و تصمیم برای همه پرسى ملی کردها در لوای حاکمیت سرزمینی سوریه (Weiss, 2012, 19)

در ژانویه ۲۰۱۲، بدلیل امتناع شورای ملی سوریه از مطالبات کردها، تعامل بین این دو شورا از بین رفت (Hossino, 2014, 6). مشکلات وقتی بیشتر شد که شورای ملی سوریه و برهان غلیون رئیس شورا، واژه ملت کرد را انکار نمودند.

۵. ترکیه و تجزیه ساختار هویتی و ژئوپلیتیکی کردهای سوریه

در ارتباط ترکیه با تحولات سوریه در سالیان اخیر باید عنوان نمود، تمامی سیاستهای ترکیه در سوریه، ابعاد کردی دارد، چرا که هرگونه گشایش سیاسی و بسط ژئوپلیتیکی کردهای سوریه در طول سیاستهای حزب کارگران کردستان ترکیه و کردهای ترکیه و بزرگترین خط قرمز امنیتی ترکیه می‌باشد. (عبداله پور، ۱۳۹۴). از ابتدای بحران در سوریه، ترکیه خط قرمز امنیتی خود را هرگونه بسط هویتی و جغرافیایی کردها دانسته و در این راستا عملیتهای نظامی گسترده‌ای مانند سپر فرات، شاخه زیتون و چشمه صلح را براعلیه کردها و به بهانه مبارزه با تروریسم تدارک دیده است. عملیات نظامی ترکیه در سال ۲۰۱۸ و تصرف کانتون عافرین، رسماً توسعه طلبی و قلمرو خواهی ترکیه در ورای مرزهای خود را به تصویر کشید. اما شاید مهمترین حمله هویتی و شکست در ساختارهای جغرافیایی مکردها را که با واکنش‌های شدید جهانی، همراه بوده، عملیت چشمه صلح در اکتبر سال ۲۰۱۹ و حمله به نوار شمالی و کردی سوریه است. ترکیه در این عملیات قصد دارد دست کم دست کم تا عمق ۳۰ کیلومتری خاک سوریه به پیشروی‌های خود ادامه دهد. مناطق تحت کنترل کردها در شمال سوریه منطقه‌ای بالغ بر ۴۸۰ کیلومتر از دره فرات تا مرزهای عراق است و ترکیه در صدد منطقه حائل در این مدار جغرافیایی است.

اما فارغ از تحلیلهای اگزیماتیت باید عنوان نمود که ابر راهبرد ترکیه در حمله به شمال سوریه، تغییر در ساختار دموگرافیگ شمال سوریه، تعریب منطقه در راستای منافع ملی ترکیه و حل مشکل همیشگی کردها می‌باشد. در این راستا حتی روسیه، ترکیه را متهم به مهندسی دموگرافیگ در منطقه نموده است. (maizland, 2019). نقشه زیر آمال ترکیه را جهت تجزیه سرزمینی و هویتی ترکیه را در شمال سوریه با بهانه ایجاد منطقه امن و نابودی هویتی کردها را به تصویر می‌کشد.



۶. کردها و قبایل عرب

نظر به ترکیب مختلط کردها با قبایل عرب در تمامی مناطق شمال سوریه، تعامل و تقابل این دو عنصر از اهمیتی به سزا در تحولات سیاسی و جغرافیایی شمال سوریه برخوردار است.

در سال ۲۰۰۷، تعداد پناهندگان عراقی به سوریه ۱/۳ میلیون یعنی تقریباً ۷/ جمعیت سوریه را تشکیل می‌داد. این پناهندگان، غالباً اعراب و قبایل سنی استانهای نینوا و انبار بودند (Bruck, 2007, 22). پناهندگان که غالباً از عشایر آل جبور و شمر بودند بعدها با سمپاتی نسبت به عشایر مناطق الرمادی و فلوجه یکی از پایگاههای مهم داعش در سوریه را تشکیل دادند. در ۱۶ آوریل ۲۰۱۱ در استانبول شورای قبایل عرب، با هدف ساختن یک چارچوب سیاسی پذیرفته شده برای دوران پسا اسد، بوجود آمد. این شورا همچنین در پیوند با قبایل کرد و دروز و برای حفظ امنیت بعد از سقوط اسد و البته تحت زعامت (SNC) تشکیل شد. (Al.Qushairi, 2014). در این شورا یک فضای تقسیم شده جدی بین گرایش اخوان المسلمین به عنوان قدرت سیاسی مسلط در (SNC) و شورای قبایل بوجود آمد. قبایل ساکن در منطقه البدیعه که ۵۵/ خاک سوریه را تشکیل می‌دهد، این‌ها ۱۵/

جمعیت سوریه را شامل می‌شوند. (Dawn,2013). اکثریت گروه‌های قبیله‌ای سوریه، شاخه‌هائی زیر-قبیله‌ای سیستم عشایری/قبیله‌ای هستند که ریشه در شبه جزیره عربستان هستند که برای دسترسی به آب و سرزمین‌های حاصلخیز به مناطق شمالی، مهاجرت کرده‌اند (Dokhan,2015,16). این قبایل هنوز روابط قبیله‌ای خود را با شبه جزیره عربستان حفظ کرده‌اند. عنصر اصلی در صورت بندی قبیله‌ای در سوریه برقراری سیستم خویشاوندی (kinship) است که حمله به یک فرد، پاسخ گروهی را در پی خواهد داشت که اقدام جمعی نامیده می‌شود و اعضای گروه متعهد به حمایت از یکدیگر هستند. به طوری که می‌توان که اقدام جمعی با توجه به عصیت قبیله‌ای منجر به خشونت جمعی می‌گردد. رابطه بین قبایل سوری و کشورهای خلیج فارس به صورت سستی یک نگاه حامی-محور بوده است. عربستان سعودی، همیشه قبیله عنزا را با حمایت‌های مالی و سیاسی، پشتیبانی نموده است. (Schoel,2011,96-113). به طوری که جوانان این قبایل که در کشورهای حاشیه خلیج فارس مشول به کارند یکی از عوامل نضج شورش‌ها در سوریه بوده‌اند. از طرفی عربستان، نسبت به گسترش و تشکیل هلال شیعی و بسط نفوذ ایران از طریق عراق به سوریه و سواحل مدیترانه و لبنان به شدت نگران است. (Imonti,2014). قیام در سوریه، فرصت مناسبی را در اختیار عربستان قرار داده تا از راه پیوند با قبایل برای تخریب و فروپاشی رژیم اسد و مالاً خلعید از ایران برای دسترسی به امیال ژئوپلیتیکی، جلوگیری نماید. میان مهمترین این گروه‌ها می‌توان به کنفدراسیون شمر و عنزا که در قرن ۱۸ و ۱۹ از نجد به سوریه مهاجرت کردند اشاره نمود. (Dawn,2010,29-49). هر دو این قبایل بعد از ورود به سوریه، مسیرهای اصلی تجارت و بازرگانی بین دمشق-بغداد و دمشق-مکه را کنترل نمودند. (Tooth,2000). استفاده حافظ اسد از بدوین‌ها در سرکوب قیام ۱۹۲ در حما و استفاده از آنها در وزارت کشور و سیستم تحبیب و رشوه به روسای قبایل در شمال و شرق، آن‌ها را در صف حکومت قرار داد. (SANA,MAY26,2014). با شروع بحران در سوریه، بسیاری از رهبران قبیله‌ای در رسانه‌های سوریه به عنوان نماد هویت و نوع دوستی در تأیید رژیم اسد صحبت کردند. در طرف مقابل نیز در نخستین تجمع قبایل سوری مخالف اسد در ژانویه ۲۰۱۲، قبایل مهمی مانن عنزا، شمر و باقرا شرکت و بر قیام و سرنگونی حکومت بشار، صحه گذاشتند. نظر به تأثیر گذاری فراوان قبایل عرب سنی در تعارض و تعامل با حکومت مرکزی، همچنین درگیری آنها با کردهای

سوریه که بر سر قلمرو خواهی و در مناطق با جمعیت مختلط عرب/کرد، صورت می‌گیرد در جدول ذیل، صورت بندی سیاسی این قبایل، نشان داده می‌شود

پیوستار قبایل سنی عرب در خصوص بحران سوریه (جدول ۲)

قبایل مناطق جنوبی		قبایل مناطق مرکزی		قبایل مناطق شمالی و شرقی	
fadl	شکاف	Aneza		Aneza	
al-Zoubi55	شکاف	*Hasanah	شکاف	*Fad'an	وفادار
al-Hariri56	اپوزیسیون	*Sba'ah	سکوت	Al-Jabbur	وفادار
al-Masalmeh	اپوزیسیون	Turki	اپوزیسیون	al-Mashahdeh	سکوت
Nu'im	اپوزیسیون	Bani Khaled	شکاف	Busha'ban	شکاف
		Fawa'ira	اپوزیسیون	Tay	وفادار
		Aqaydat	شکاف	Shammar* گروهی از قبائل وابسته:	
		Hadidiyn	وفادار	*Al-Khursah	اپوزیسیون
		Mawali	سکوت	Al-Aslam	اپوزیسیون
		Nu'im	اپوزیسیون		
		Bushakim	سکوت		

۷. عوامل فرامنطقه ای

تحولات مناطق شمال سوریه، بخصوص پس از عملیات چشمه صلح ترکیه بر علیه کردهای سوریه را می‌توان آنقدر مهم شمرد که تقابل تمامی عوامل فرا منطقه‌ای را به همراه داشته است.

در خصوص بحران و کنشگری در مناطق کردنشین سوریه که به شدت بر متغیرهای دیگر در آینده سوریه تأثیر گذار است باید ۴ سطح فرا ساختار، ساختار، کارگزار و زیر-کارگزار را در ظرفهای جدا از یکدیگر تحلیل نمود. به طوری که علاوه بر میدانهای متعارضی مانند ترکیه، خرده میدانهای متعارض مانند اعراب سنی و انشقاق بین گروههای کردی، از مهمترین عوامل تنش زا در منطقه شمال سوریه می‌باشند. واکنش ترکیه نسبت به هرگونه هویت خواهی کردها، مهم‌ترین عامل بازدارنده برای کردهای سوریه برای هرگونه اقدام می‌باشد. واکنش و حساسیت ترکیه در خصوص کردها به اندازه‌ای قابل ملاحظه است که حتی دو فراساختار روسیه و آمریکا نیز مجبورند، ملاحظات ترکها را برای هرگونه سیاستگذاری در مورد کردها را در نظر بگیرند. مقامات ترکیه بارها اعلام داشته‌اند که PKK معادل YPG بوده (Erdoğan, *Hurriyet*, 19 October 2014). در این راستا، ترکیه، سه انتظار از PYD دارد:

- همکاری نکردن با رژیم اسد
- عدم تشکیل یک دولت دوفاکتو در شکل مذهبی و یا قومی
- تعهد کردهای سوریه برای امنیت مرزهای ترکیه.

بنابراین به علت عدم تحقق مطالبات فوق، حمایت جامعه بین‌المللی از PYD، ترکیه نه از طریق نیروی نظامی، بلکه از طریق یک سیاست خصومت آمیز و آنتاگونیستی به مقابله با کردهای سوریه رفت (Tas, 2015). از این منظر می‌توان گفت، ترکیه، کردهای سوریه را، تهدیدی بیشتر از داعش برای امنیت ملی خود می‌داند (gunter, 2015, 106). خیزش حزب کارگران کردستان به طور حتم مهم‌ترین عامل در نضج ناسیونالیسم کرد در سوره بوده است، به طوریکه مهم‌ترین منطقه برای جذب جنگجویان pkk از مناطق کردنشین سوریه بوده است. مبارزین کرد سوری در سال ۲۰۰۳، حزب اتحاد دموکراتیک سوریه یا PYD را با دو هدف فرار از سرکوب دولتی توسط حکومت اسد و حمایت از سمپات‌ها و حامیان pkk، در کردستان سوریه را بوجود آوردند که به نوعی زیر-سیستم pkk، در کردستان سوریه و علیه ترکیه و بارزانی بود. از طرفی حزب دموکرات کردستان

عراق با ریشه قدیمی، زیر سیستم طرفدار خود در کردستان سوریه به عنوان KNC بوجود آورد که در مقابل PYD قرار گرفت. به نوعی که می‌توان آینده کردستان سوریه را در تقابل دو زیر-سیستم PYD و KNC مشاهده نمود. با تاسی از نظریه دیالکتیک ساختار / کارگزار (عبداله پور و متقی، ۱۳۹۴، ۸۰) می‌توان گفت که دو حزب اتحاد دموکراتیک و شورای ملی کردها به ترتیب کارگزاران احزاب مادر یعنی حزب کارگران کردستان ترکیه و حزب دموکرات کردستان عراق می‌باشند. رقابت بین حزب کارگران کردستان ترکیه و حزب دموکرات کردستان عراق ریشه‌های ایدئولوژیک دارد، در حالیکه مانیفست حزب کارگران، بر پایه مارکسیسم-لنینیسم می‌باشد، فلسفه حزبی، حزب دموکرات، بر پایه نظام عشیره‌ای و محافظه کارانه، بنا نهاده شده است، به طوری که می‌توان گفت این دو حزب در منطقه شمال عراق، و مناطق کردنشین سوریه و ترکیه، مجری و عامل دو پارادایم رقیب در ناسیونالیسم کردی بوده‌اند. گرچه حزب کارگران از مرام مارکسیستی خود فاصله گرفته، اما همچنان بر علیه نظام عشیره‌ای بارزانی، می‌باشد. آمریکا همسو با منافع اسرائیل از گزینه‌های مانند سوریه منسجم و سوریه با اسلام سیاسی در هراس و برای گسست در این نحله‌ها، با نگاهی ابزارگرایانه در کوتاه مدت از کردها دفاع می‌نماید. بنابراین یک دموکراسی سکولار و تعمیق شکافهای قومی در حال حاضر گزینه مطلوب آمریکا در سوریه می‌باشد. اما خوانش سیاست روسیه در سوریه و مشخصاً مناطق کردنشین، بعدی ژئوپلیتیکی دارد که علاوه بر فشار بر علیه ترکیه توسط کردها، خواهان دسترسی آسان به سواحل مدیترانه‌ای و منطقه شامات است.

سطوح تحلیل و متغیرهای درگیر در بحران شمال سوریه: (جدول ۳)

ملاحظات	متغیرهای درگیر در بحران شمال سوریه	سطوح تحلیل
برقراری دموکراسی سکولار بی اسد	-آمریکا	فرا ساختار
برقراری دموکراسی سکولار با اسد (کوتاه مدت)	-روسیه	
ماندن اسد، مخالفت با واگرائی سرزمینی	-ایران	ساختار
حمایت از رفتن اسد، بالا رفتن وزن مؤلفه سنی، مخالفت با هرگونه ارتقاء کردها	-ترکیه	

برقراری ساختار کنفدرال	- حزب کارگران کردستان ترکیه	کارگزار
برقراری ساختار فدرال بر پایه مدل KRG	- حزب دموکرات کردستان عراق	
زیر-سیستم PKK و حامی کانتونهای خود مختار	PYD	زیر-کارگزار
حامی برکناری اسد و زیر-سیستم بودن برای بارزانی	KNC	

۸. کد و برند سازی ژئوپلیتیک کردستان سوریه

مناطق کردنشین سوریه به عنوان یکی از مناطق ناشناخته و بکر در مزوپوتامیای کردی، به دنبال بحران داخلی در سوریه، تشکیل کانتونهای خودمختارکردی و انقلاب "رژوآوا" یا منطقه شمال سوریه که وارد ادبیات مطالعات منطقه‌ای شده است، در حال حاضر بخشی مهم از تعارضات سرزمینی و هویتی را در سوریه تشکیل داده است که این تعارض را می‌توان علاوه بر متغیر داخلی، مولود سیاستهای عوامل فرامنطقه‌ای مانند ترکیه، روسیه و آمریکا دانست. دو کنش گر فرا منطقه‌ای یعنی روسیه و آمریکا نیز کردستان سوریه و نقشان در سوریه با اسد و بی اسد را یک عامل نفوذ در منطقه می‌دانند. بنابراین این واحد جغرافیایی جدید در پی قلمروخواهی و اتصال بین کانتونها و فضاهاى تجزیه شده خود می‌باشد. این موضوع نیاز به برجسته سازی و یک برندینگ جغرافیایی دارد که رسانه‌های جمعی کرد، توانسته‌اند این برند را با استفاده از یک گفتمان هویتی و سرزمینی و با شاخص‌های هویتی، سمبلیک و دیاسپورای کرد در اروپا، به منصفه ظهور برسانند. مدل برند سازی ژئوپلیتیک که جزء لاینفک مدیریت استراتژیک می‌باشد و پیش شرطی برای دستیابی به اهداف استراتژیک است، نوعی ویژه از برند و با هدف بازخوانش ژئوپلیتیک و توأم با تعارض و خشونت است. این نحله می‌تواند تحلیل جامعی را از شبه دولت‌ها و یا ساختارهای دو فاکتو، ترسیم بنماید. (حاتمی و عبدالله پور، ۱۳۹۸، ۲۲۵) فراموش نکنیم مدل برند سازی ژئوپلیتیک بر بافت ژئوپلیتیک دولت ملت‌های ضعیف، علیه ساختار و له کارگزارهای جدید و بر روی گسل‌های تمدنی و سرزمینی رخ می‌دهد. کردها دومین گروه زبانی مهم در سوریه می‌باشند. منابع عربی، جمعیت کردها را تنها حدود ۵/ جمعیت

سوریه می‌داند (<http://syriapop.wordpress.com>). در حالیکه ملیگرایان کرد این جمعیت را ۲۰٪ می‌دانند. مک داوول ۸/ و بروینسن ۸/ درصد را در آمارهای خود ذکر نموده‌اند (Bruinessen 1992, 15). از منظر جغرافیایی، جمعیت کردها در سه منطقه جدا از هم یعنی عافرین، کوبانی و جزیره می‌باشد. از این تعداد ۳۰٪ در عافرین، ۱۰٪ در کوبانی و ۴۰٪ درصد در جزیره می‌باشد. (Gambill, 2014). خلاء بین این سه منطقه یکی از چالش‌های اساسی کردهای سوریه است، به طوری‌که فاصله بین عافرین و کوبانی ۱۴۰ کیلومتر و فاصله بین کوبانی و جزیره ۱۶۰ کیلومتر است. گروه‌های قومی کرد بین این مناطق، ساکن می‌باشند. جمعیت اصلی کردها در سوریه در استانهای حسکه و حلب و نواحی شهری مانند دمشق، ساکن و جمعیت قابل ملاحظه‌ای نیز در زیر مناطقی مانند عامودا، قحطانیه، مالکیه، درباسیه، وجود دارند. در استان حلب، تقریباً ۴۰٪ کردهای سوریه در استان حبل که بالغ بر ۴ میلیون جمعیت دارد، زندگی می‌کنند، ساکنان کرد در این استان که دارای ۳۲ شهر و ۱۴۵۳ روستا می‌باشد ۱۵٪ جمعیت را تشکیل می‌دهند (<http://www.alp-city.org/aleppohistory.php>). کردها در قسمت شمالی استان و در منطقه عافرین و زیر منطقه کوبانی زندگی می‌کنند، بعلاوه در شهر حلب و در دو محله اشرفیه و شیخ مقصود نیز برتری جمعیتی کاملاً با کردها است. شهر عافرین دارای زیرمنطقه و دارای ۲۶۳ روستا است که علاوه بر اکثریت جمعیت کرد، دارای اقلیتی از اعراب و ترکمنها نیز می‌باشد. (<http://tirejafir.com/index.php?page>). شهر کوبانی نیز در تقسیمات جغرافیایی در استان حلب قرار دارد. کوبانی دارای ۱۰۰ روستا، ۲۰۰ هزار نفر جمعیت و بال بر ۹۰٪ جمعیت کرد می‌باشد (<http://en.firatajans.com/news/news/>). در کوبانی قبیله برازی که در دو سوی مرز، ساکن دارند، قویترین تشکل را تشکیل می‌دهند. (Tajel, 2008, 10). استان حسکه که استان کردنشین دیگر در سوریه می‌باشد در شمال شرق سوریه و در همسایگی ترکیه و عراق واقع شده است. استان حسکه دارای ۴ منطقه حسکه، مالکیه، قامشلو و رأس العین، و ۱۶ زیر منطقه، می‌باشد. منابع عربی، تعداد کردها را ۳۰٪ جمعیت استان می‌دانند (<http://www.zengil.net/web/?p=18341>), گرچه کردها این آمار را جعلی و بر این اعتقادند با توجه به جمعیت زیاد ۷۰۰ روستای کردنشین، جمعیت غالب استان از آن کردها بوده و اقلیتی از اعراب مهاجر نیز در این استان وجود دارند. شهر قامیشلی، بزرگ‌ترین شهر کردها در سوریه بوده که حداقل ۷۰٪ جمعیت شهر را کردها تشکیل می‌دهند. قامیشلی دارای ۳ زیر منطقه به نام عامودا، تل حمیس و قحطانیه بوده که بزرگترین تجمع کردها در

عامودا می‌باشد. از تحلیل مناطق و زیر مناطق کردنشین در سوریه می‌توان، مضائق ژئوپلیتیک/ دموگرافیک کردها را در سه مورد ذیل، تشریح نمود:

- عدم پیوستگی قلمرو جمعیتی مناطق کردنشین
- وجود جمعیت قابل ملاحظه غیر کرد در مناطق مورد مناقشه
- حضور نیمی از کردهای سوریه در مناطق خارج از ۳ منطقه اصلی کردها در حلب و دمشق

با این حال سوژگی ژئوپلیتیک جدید کردها با تکیه بر هویت برند، اجرا و کارکرد و مؤلفه‌های آنان مانند ارزش‌ها، نماد، ساختار حکمرانی، هویت، اسطوره‌ها و ادعای قلمروئی در صدد برند سازی ژئوپلیتیک و سرزمینی خود می‌باشند. (عبداله پور و قادری، ۱۳۹۴). برند سازی ژئوپلیتیک نیز اولویت اساسی کارگزاران می‌باشد (حاتمی و عبداله پور، ۱۳۹۷). همانطور که عنوان شد، حفره‌های تاریک شبه دولت‌ها (pseudo state)، غالباً در محل تلاقی بین امپراطوریهای سابق و تمدن‌ها و نیز نواحی که جمعیتی مختلط با پیچیدگیهای خاص قومی را دارند رخ می‌دهند. بنابراین در ابتدای امر، برند سازی ژئوپلیتیک، رکن رکین کد سازی ژئوپلیتیک کارگزاران ژئوپلیتیک می‌باشد. استنتاج بحث فوق، اثبات دیگری برای هر دو مؤلفه می‌باشد. برای شبه دولت‌ها و کارگزاران ژئوپلیتیک با توجه به شکننده بودن بعد سرزمینی و هویتی ساختارگریز، تبیین و تفسیر این کدها مشکل ولی با توجه به ضعف ساختارها و شناور بودن کدهای ژئوپلیتیک، درصدد تعریف و عملیاتی نمودن کدهای ژئوپلیتیک در سطوح مختلف می‌باشند. بنابراین دولت-ملت‌های ضعیف، منافعشان را از طریق گفتمانهای هویتی و برند سازی ژئوپلیتیک در فضاهای تجزیه شده در تعامل و تقابل با سایر کدها، جلو می‌برند، چرا که کدهای ژئوپلیتیک همانند گفتمانها، پایدار نبوده و دائماً از دال به مدلول در حال حرکتند. (همان، ۸۷)

مدل برند سازی ژئوپلیتیک کردستان سوریه (جدول ۴)

کارکرد	اجرا	هویت برند
بسیج حامیان و متحدان (کوردایه تی و غرب) -مرعوب نمودن رقبا -تغییر قلمرو	ساختار حکمرانی (مدل کنفدرالیسم یا فدرالیسم) -قدرت نظامی (YPG & YPJ) -منابع (انرژی، آب و گاز) -بازارهای ارتباطاتی (ماهواره، مطبوعات، دیاسپورا)	-چشم انداز (موجودیت کردها و انقلاب غرب کردستان) -ارزش‌ها (تاریخ، هویت، زبان، نژاد) -نمادها (پرچم، سرود و...)

		-اشخاص برند(گریلا و YPG) -تصویر سازی از دشمن(تعارض با اسلام سیاسی) -ادعای قلمروئی(موجودیت کانتونهای کردی)
--	--	---

عوامل تأثیر گذار بر کدهای ژئوپلیتیکی کردهای سوریه: (جدول ۵)

محلّی	ملّی	منطقه‌ای
هژمونی حزبی در تقابل با احزاب مرتبط با بارزانی عوامل نمادین فرهنگی کردها نضج قدرت اندیشه‌ای و قدرت مادی کردها	فدرالیسم و یا کنفدرالیسم دموکراتیک (کوتاه مدت) استقلال (بلند مدت) بسط ژئوپلیتیک و اتصال سه کانتون جزیره ، کوبانی و عافین به یکدیگر سازه قلمروئی کردها در شمال سوریه	تعامل با ساختارهای ژئوپلیتیک ترک / عرب ناسیونالیسم فرهنگی کردها گفتمان ژئوپلیتیک (از توروس تا زاگرس) تولید فضا

۹. نتیجه گیری

مناطق کردنشین سوریه یکی از متغیرهای تأثیر گذار در بحران سوریه در سالهای اخیر بوده است که محل تعارض بسیاری از کنشگران محلّی ، منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای بوده است . در این راستا احزاب کرد در شمال سوریه و در قلمرو مناطق کردنشین با تقویت توان نظامی و مدل خود گردانی محلّی توانسته‌اند خود را به عنوان یک نیروی تأثیرگذار در حیات سیاسی منطقه نشان دهند . قطعاً به مانند بحران عراق که کردهای این کشور برندگان بحرانهای هویتی و ژئوپلیتیکی بودند ، در سوریه نیز کردهای این کشور خود را به عنوان یک هویت مستقل و یک واحد جغرافیایی ، مطرح کرده‌اند . به طوری که منطقه‌ای با عنوان کردستان سوریه در نقشه‌های جغرافیایی ظاهر و ساختارها و فراساختارها نیز مجبورند که ملزومات این واحد ولو کوچک ژئوپلیتیکی را در سیاستهای خود در نظر بگیرند . کردهای سوریه با پیوند هویت و سرزمین ، گفتمان پر قدرتی را در شمال سوریه بوجود آورده‌اند که از آنها کنشگری فعال را خلق نموده که قابل احترام برای بسیاری از کشورها می‌باشند . همانطور که عنوان شد ناسیونالیسم ، یک ایدئولوژی ارضی است و کردهای سوریه در این راستا در پی قلمروخواهی سرزمینی و اتصال مناطق کردنشین جدا از هم در سوریه می‌باشند . شاید

بتوان اصلی‌ترین عامل تعارض در آینده سوریه را علاوه بر چگونگی ساختار سیاسی سوریه، حل مناطق تجزیه شده، مناطق ترکیبی، موج‌های جدید دموگرافیک و تعارض بین اعراب سنی یا قبایل بدوین با کردها دانست. نظام آتی سوریه در هر شکل و شمایل بی‌اسد یا با اسد، فدرال و یا کنفدرال، تا مدت‌ها صحنه تعارض قومی / هویتی و جغرافیایی است و نه تنها عرصه رقابت ساختارهای ژئوپلیتیکی است، زیر-سیستم‌های هویتی را نیز درگیر می‌نماید. عربستان و ترکیه به عنوان دو مدل حکمرانی متفاوت با نفوذ بر جمعیت اهل تسنن این کشور، بزرگ‌ترین تهدید بر علیه کردها می‌باشند و این در حالی است که سیاستهای آمریکا و روسیه در قبال کردها نیز سیاستی تناقض‌نما است. بنابراین کردهای سوریه، نگران از متغیرهای مذکور چشم به آینده‌ای نامعلوم دارند که این آینده را به طور حتم خود نمی‌توانند رقم زنند. جغرافیایی شکننده، نبرد دو زیر سیستم پرو بارزانی و پرو PKK در کردستان سوریه، نفوس محدود، عدم حمایت کشورهای منطقه، مذهب متفاوت، زاویه شدید ترکیه، عدم همراهی کردهای عراق، همگی از عواملی هستند که نگاه کردهای سوریه را علاوه بر ظرفیت محدود کردستان سوریه به عوامل فرامنطقه‌ای، علی‌رغم سیاستهای متعارض آنها، معطوف نموده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که، گرچه این روند هویت‌خواهی همواره توسط ترکیه و عملیاتهای مانند، سپر فرات، شاخه زیتون و چشمه صلح، مورد تهدید قرار گرفته، ولی آنچه که محسوس و مشهود است، خیزش هویتی مؤلفه‌ای به نام کردهای سوریه در یک جغرافیای هویتی به نام کردستان سوریه است.

کتابنامه

- حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۶)، گفتمان ژئوپلیتیکی ترکیه در فضاهاى تجزیه شده خاورمیانه، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره ۲.
- حاتمی، محمدرضا، عبدالله پور، محمدرضا (۱۳۹۷)، برندسازی ژئوپلیتیکی واحدهای جغرافیایی دوفاکتو، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، دوره ۸، شماره ۴.
- عبدالله پور، محمدرضا و قادری، رحیم (۱۳۹۴)، سوژگی ژئوپلیتیک حزب کارگران کردستان ترکیه در بین‌النهرین شمالی، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، زمستان ۹۴، دوره ۵، شماره ۴.
- عبدالله پور، محمدرضا، دیانت، محسن (۱۳۹۵) دیالکتیک ساختار، کارگزار در منازعات ژئوپلیتیکی خاورمیانه، انتشارات کلک سیمین، تهران

عبداله پور، محمدرضا، متقی، افشین، دیالکتیک ساختار، کارگزار در منازعات ژئوپلیتیکی خاورمیانه با تاکید بر کارگزاری ژئوپلیتیکی کردستان عراق، فصلنامه مطالعات سیاسی، ۱۳۹۴

عبداله پور، محمدرضا، حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۶)، قلمروخواهی سرزمینی ترکیه و ژئوپلیتیک سلفی در خاورمیانه، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۶، شماره ۳

Allsopp, Harriet (2015): The Kurds of Syria. Political Parties and Identity in the Middle East.

Abdulkhkim Bashar(2012), Chairman of the Kurdish National Council, The Atlantic, January 20.

Anthony Tooth, The Transformation of a Pastoral Economy: Bedouin and States in Northern Arabia, 1850-1950, PhD dissertation, (University of Oxford, 2000).

BUILDING PEACE IN A POST-ASSAD SYRIA,2013, Maddox, Jacob M. Thesis and Dissertation Collection

Borders, People and the Kurdish Political Situation in Syria, by Eric gentz and etc...., Richardson Institute, 2013 .

Bruinessen Martin Van, Agha, Shaikh and State: The Social and Political Structures of

Dawn Chatty, "The Bedouin in Contemporary Syria: The Persistence of Tribal Authority and Control," The Middle East Journal (2010), Vol. 64, No. 1, pp. 29-49

Dawn Chatty, "Syria's Bedouin Enter the Fray. How Tribes Could Keep Syria Together," Foreign Affairs, November 13, 2013, Accessed: May, 26, 2013

Dijkink, G. 1998. Geopolitical codes and popular representations. GeoJournal

Dijkink, Gertjan (1998), Geopolitical Codes and Popular Representations, Geojournal,

46, pp. 293-299.

Felix Imonti, "Commentary, Saudis Gain Upper Hand on Syria's Battle-fields," CNBC News Network, March 12, 2013, Accessed: May 26, 2014.

Thorsten Schoel, "The Hasna's Revenge: Syrian Tribes and Politics in their Shaykh's Story," Nomadic People, (2011), Vol: 15 Issue: 1, pp: 96 – 113

Gunter, Michael M. (2014): Out of Nowhere. The Kurds in Syria in Peace and War. Hurst & Company.

Hossino, Omar, Tanır, İlhan (March 2012). "The Decisive Minority: The Role of Syria's Kurds in the Anti-Assad Revolution," A Henry Jackson Society Report, 4-5.

Hechter, Michael: Containing Nationalism. Oxford University Press, 2000.

How the Current Conflicts Are Shaping the Future of Syria and Iraq , Brian Michael Jenkins,2016.

RAND CORPORATION

Imagining Kurdish Identity in Mandatory Syria: theses for PhD, Finding a Nation in Exile, Ahmet Serdar Akturk,2013, University of Arkansas, Fayetteville.

Israel's Interests and Options in Syria , Larry Hanauer,RAND CORPORATION , 2015

Kuus, M., and Agnew, J. (2008) Theorizing the State Geographically: Sovereignty,

Vladimir Kolossov and John O'Loughlin(1998a) Pseudo-states as harbingers of a post-modern geopolitics: The example of the Trans-Dniester Moldovan Republic

Kolossov, V. and O'Loughlin, J. (1998b) 'New Borders for New World Orders. Territorialities at the Fin-de-Siecle', GeoJournal , Minneapolis,MN:University of Minnesota press

Kolossov, V. and O'Loughlin, J. (1999) 'Pseudo-States as Harbingers of a New Geopolitics: The Example of the Trans-Dniestr Moldovan Republic', in D. Newman

Kuus, M., and Agnew, J. (2008) Theorizing the State Geographically: Sovereignty.

KurdWatch, Interview with Salih Muslim Muhammad, Chairman of the PYD, November 8, 2011.Available at <http://kurdwatch.org/html/en/interview6.html> (Accessed November 14, 2012).

McDowall David, The Kurds, Minority Rights Group 1996, updated seventh edition Published December 1996

Mohammad Al-Qushairi, M. (in Arabic), An interview with Muhammad Mazyad al-Tirkawi, al-Sharq al-Awsat Newspaper, May 6, 2012, Accessed: May 26, 2014.

Ozatalas, Filiz. 2004. "Severe Ethnic Violence: An Integrated Explanation of the

O'Loughlin.J. (2013) , Divided Space,Divided Attitudes? Comparing the Republics of Moldova andPridnestrovie (Transnistria) Using Simultaneous Surveys, Institute

Of Behavioral Science, EURASIAN GEOGRAPHY AND ECONOMICS VOL.54,NO.2,2013

O Tuathil,Gearoid& Agnew, John(1992), geopolitics & discourse , practical geographical resoning in American policy, political geography ,vol.11.no.2

Pollock, David, "Syria's Kurds Unite against Assad, but Not with Opposition", The WashingtonInstitute for Near East Policy, July 31, 2012.

Paasi, A. (2011). A border theory: An unattainable dream or a realistic aim for border scholars? In D. Wastl-Perspectives from the Austrian-Slovakian border region. In N. Adams, G. Cotella, & R. Nunes (Eds.)

- PINTO , E.(2007a) 'Les Kurdes de Syrie', in B. Dupret, Z. Ghazzal, Y. Courbage, and M. al-Dbiyat (eds) *La Syrie au resent. Reflets d'une société*, Paris: Actes Sud.
- Post-Asad Syria: Opportunity or Quagmire? By Patrick Clawson, Institute for National Defense University, 2012.
- Remaking Syria: A Military Update, the Diplomatic Situation, and The Israeli Angle, 4 Apr 2017, By Zvi Magen and Udi Dekel for Institute for National Security Studies (INSS)
- Sykes Mark, *Journeys in North Mesopotamia (Continued)*, *The Geographical Journal*, Vol. 30, No. 4 (Oct., 1907), pp. 384-398.
- Syria's Kurds History, politics and society, Jordi Tejel(2015)
- Syrian Arab News Agency (SANA): Syrian and Arab Tribes Embark on National Reconciliation, Wordpress Blog, May 5, 2012, Accessed: May 26, 2014.
- Smith, Robert C. (2000), 'How durable and new is transnational life? Historical retrieval through local comparison', *Diaspora* 9 (2): 203-234.
- Tejel Jordi, *Syria's Kurds: History, Politics and Society*, Routledge, 2008, p 10
<<http://www.foreignaffairs.com/articles/140266/dawn-chatty/syrias-bedouin-enter-the-fray>>
- Tillman Brück, Christie, Binzel, and Lars Handrich, *Evaluating Economic Reforms in Syria*. Deutsches Institute für Wirtschaftsforschung Berlin, Politikberatung Kompakt 35, December 2007, 22.
- Tejel, Jordi (2014): "Toward a Generational Rupture within the Kurdish Movement in Syria?" in: Ofra Bengio (ed.): *Kurdish Awakening. Nation Building in a Fragmented Homeland*. University of Texas Press.
- THE REGIONAL STRUGGLE FOR SYRIA, by European council of foreign relation, (2013), edited by Julien Barnes-Dacey and Daniel Levy
- The PKK's Fateful Choice in Northern Syria by (icg), Middle East Report N°176 | 4 May 2017
- THE Transformation OF Ethnic Conflict & Identity In Syria by Randall Salm A Dissertation Submitted to the Graduate Faculty of George Mason University in Partial Fulfillment of The Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy Sociology Fall Semester 2016 George Mason University
- The Structure and Organization of the Syrian Opposition Ken Sofer and Juliana Shafroth May 14, 2013, CENTER FOR American progress
- The kurds of Syria (2017), Anne ,schott, Royal Danish Defense College
- Maizland.l(2019), whos who in north syria

Weiss, Michael, "Syrian Kurd Leader: Revolution Won't Succeed Without Minorities", Interview with

Zisser, Eyal (2014): "The Kurds in Syria: Caught between the Struggle for Civil Equality and the Search for National identity" in: Ofra Bengio (ed.): Kurdish Awakening. Nation Building in a Fragmented Homeland. University of Texas Press.

منابع اینترنتی

<http://syriapop.wordpress.com/2011/04/14/%D8%A7%D9%84%D8%AA%D9%88%D8%B2%D8%B9-%D8%A7%D9%84%D8%AC%D8%BA%D8%B1%D8%A7%D9%81%D9%8A-%D9%84%D8%B3%D9%83%D8%A7%D9%86/>

http://www.meforum.org/meib/articles/0404_s1.htm retrieved 26 May 2014

<http://www.alp-city.org/aleppohistory.php>

http://tirejafirin.com/index.php?page=category&category_id=179&lang=ar,

<http://en.firatajans.com/news/news/the-development-and-course-of-the-battle-for-kobane.htm#.U8EoAaUjFIE>.twitter

<http://www.esyria.sy/ealeppo/index.php?p=stories&category=places&filename=200910191215011>, http://en.wikipedia.org/wiki/Ayn_al-Arab_District

<http://aina.org/releases/20130819193827.htm>

<http://www.cnbc.com/id/100523000->

<http://aranews.net/>

